

فهرست

سر سخن

وفیات الاعیان ۵-۳

یادیه از درگذشتگان

خدمات استاد احسان یارشاطر به معارف ایرانی و اسلامی / محمود امیدسالار ۱۰-۶
فهرست‌های شاهان هخامنشی در آثار بیرونی و ابن عبری / احسان یارشاطر: ترجمه: نیما جمالی ۱۷-۱۱
ایران‌شناسان و ایران‌دوستان غیرایرانی / احسان یارشاطر: ترجمه: سید محمدحسین مرعشی ۳۶-۱۸
استاد ژیلبر لازار (۱۹۲۰-۲۰۱۸) و تحقیقات او در زبان‌های ایرانی / علی‌اشرف صادقی ۴۶-۳۷
خاطراتی از استاد ژیلبر لازار، خدمتگزار راستین زبان فارسی / ژاله آموزگار ۴۹-۴۷
حکایتی به زبان فارسی محلی گیو (منطقه بیرجند) / ژیلبر لازار: ترجمه: سید محمدحسین مرعشی ۵۷-۵۰
ملاحظاتی در باب سبک ترجمه‌های کهن قرآن و کتاب مقدس / ژیلبر لازار: ترجمه: ستایش دشتی ۶۱-۵۸
شوقی شرقی در قلبی غربی: نگاهی کوتاه به زندگی، افکار و آثار لئونارد لویسن ایران‌شناس و مولاناپژوه
آمریکایی / مجدالدین کیوانی ۶۹-۶۲
مرگ تن هدیه‌ست بر اصحاب راز؛ یادمانده‌هایی از لئونارد لویسن / الوند بهاری ۷۲-۷۰
شرح حال و آثار محمد شیرین مغربی / لئونارد لویسن ۸۰-۷۳

جستار

داغ باز آوردن؛ تصحیح یک رباعی سنایی / سید علی میرافضلی ۸۳-۸۱
خیام و ترجمه تعلیقات ابن سینا به پارسی / سید حسین موسویان ۸۹-۸۴
از لزومیات ابوالعلاء معری به انتخاب ابن‌السید بطلیبوسی / علیرضا ذکاوتی فراگوزلو ۱۱۰-۹۰
موقوفات محمودشاه مظفری بر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی بر پایه سند مورخ ۷۴۸ق / عمادالدین
شیخ‌الحکمایی ۱۱۸-۱۱۱
آگاهی‌هایی تازه از زندگی نجم‌دایه در نسخه‌ای از تفسیرش، بحر الحقایق، با یادداشتی به خط خود او /
علی صفری آق‌قلعه ۱۲۸-۱۱۹
برگی از تاریخ ۳: سواد نامه امیرنظام به وکیل‌الملک حاکم کرمان و شکایت از یک کاتب و محرر /
محمدجواد جدی ۱۳۱-۱۲۹

نقد و بررسی

مقالات احمد تفضلی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ۱۴۰-۱۳۲
کتاب‌های اوستا: متون مقدس زرتشتیان / بهمن مرادیان ۱۴۶-۱۴۱

ایران در متون و منابع عثمانی (۱۸)

آثار نوری ابراهیم / نصرالله صالحی ۱۴۹-۱۴۷

کرده‌اند نیز گره‌گشای معضل رباعی نیست، بلکه آن گره را کورتر می‌کند: «گریان بدو اسبه زود باز آرد ماغ».

در چاپ محمدرضا برزگر خالقی، ضبط مصراع متفاوت است، اما همچنان مبهم است و رازآلود (سنایی، ۱۳۹۳: ۸۱۱/۱): «جویان به دو اسبه زود یاد آرد داغ». مصحح واو دو اسبه را داخل چنگک قرار داده و معنی‌اش این است که افزوده اوست و در نسخه اساس (موزه کابل) نیست. برزگر خالقی کوشیده است که مصراع چهارم رباعی را به معنا نزدیک‌تر کند. «دو اسبه» معنی دارد، اما متناسب این موضع نیست و مشکلی از رباعی سنایی حل نمی‌کند.

این رباعی در چندین دستنویس مختلف دیوان سنایی نقل شده است، که به بررسی مهم‌ترین دستنویس‌ها می‌پردازم. نیمی از ۲۰ نسخه بااهمیت دیوان سنایی که موفق به رؤیت آنها شده‌ام، این رباعی را دارند. متأسفانه دستنویس کتابخانه بایزید ولی الدین ترکیه، که در سال ۶۸۴ق کتابت شده و در حال حاضر، کهن‌ترین دستنویس تاریخ‌دار دیوان سنایی است، فاقد این رباعی است. اما دستنویس کهن موزه کابل که ظاهراً در قرن ششم کتابت شده، این رباعی را دارد.

- کابل: جویان بدو اسبه زود یاد آرد داغ (ص ۶۰۵)
- مشکوة: جویان بودست زود باز آرد داغ (گ ۳۴۰)
- اعظم ۱: جویان بودست زود باز آرد داغ (گ ۲۰۴)
- اعظم ۲: جویان بدو اسبه زود باز آرد داغ (گ ۳۰۹)
- ملی ۱: چونانکه بدست زود باز آرد داغ (گ ۱۵۵)
- ملی ۲: جویان بدو اسبه زود باز آرد داغ (ص ۵۲۹)
- قدس: جویان بودست درد ما را از داغ (گ ۱۸۳)
- ملک ۱: چونان بدو اسبه زود باز آرد داغ (گ ۲۶۹)
- ملک ۲: جویان که بدست زود باز آرد داغ (گ ۴۲۰پ)
- سپه: جویان بودست درد ما را از داغ (گ ۲۶۷پ)

داغ باز آوردن

تصحیح یک رباعی سنایی

سیّد علی میرافضلی

alimirafzali@yahoo.com

حکیم سنایی غزنوی، شاعر نامدار سده پنجم و ششم هجری، رباعی دارد که به گمان من، مصححان دیوان سنایی صورت صحیح آن را عرضه نداشته‌اند. در این یادداشت، می‌کوشم که به کمک بعضی دستنویس‌ها و متون دیگر، قرائت پیشنهادی خود را ارائه دهم. صورت صحیح این رباعی، شاهدی تازه برای یک تمثیل کهن پارسی نیز عرضه می‌دارد.

رباعی مورد اشاره ما، در دیوان سنایی مصحح مدرس رضوی، که رایج‌ترین متن مورد رجوع اهل تحقیق است، بدین ضبط وارد شده است (سنایی، ۱۳۴۱: ۱۱۴۸):

نیکوتری از آب روان اندر باغ
زیباتری از جوانی و مال و فراغ
لیکن چه کنم که عشقت ای شمع و چراغ
جویان بوده‌ست درد ما را از داغ

گره کار در مصراع چهارم رباعی است که هیچ معنای روشن و قانع‌کننده‌ای از آن بر نمی‌آید. در چاپ مظاهر مصفا هم رباعی عیناً به همین ترتیب نقل شده است (سنایی، ۱۳۳۶: ۵۹۵). نسخه‌بدلی که هر دو مصحح برای این مصراع نقل

قسمت ۱		قسمت ۲		قسمت ۳		قسمت ۴		قسمت ۵	
ضبط	نسخه	ضبط	نسخه	ضبط	نسخه	ضبط	نسخه	ضبط	نسخه
جویان	۵	بودست	۴	زود	۸	باز آرد	۷	داغ	۱۰
چونان	۲	بدو اسبه	۴	درد	۲	مارا از	۲	--	--
جویان	۱	بدست	۲	--	--	یاد آرد	۱	--	--
جویان	۱	--	--	--	--	--	--	--	--
جویان	۱	--	--	--	--	--	--	--	--

جدول بالا، نمایی از ضبط‌های مشترک و متفاوت ده نسخه را نمایش می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که اغلب نسخه‌ها، در بخش آخر مصراع، با هم توافق دارند: زود بازآرد داغ. «داغ بازآوردن» عبارت آشنایی است که ما را به یاد شعری از ابوالمظفر جُمحی بیهقی در تاریخ بیهقی می‌اندازد (ابن‌فندق، ۱۹۶۸: ۳۰۹):

هر آن مملکت کآن به سوری دهی
چو چوپان بد، داغ بازآورد

این شعر، گره بخش نخست مصراع مورد اشاره را نیز باز می‌کند. کلمات جویان، چونان، جویان، خویان، و حویان، همگی تصحیف «چوپان» هستند و هیچ کدام از کاتبان دیوان سنایی، حتی کاتب نسخه موزه کابل که نزدیک به عصر او می‌زیسته است، به علت ناآشنایی با تعبیر کنایی موجود در این رباعی، کلمه «چوپان» را که در رسم الخط قدیم به صورت «جویان» کتابت می‌شده است، به جا نیاورده‌اند و کلماتی حدسی و مأنوس به ذهن خود را جایگزین آن کرده‌اند. جزء دوم این مصراع، یعنی «بد است»، نیز همین شرایط را دارد و به «بُدست» و «بودست» تغییر یافته است. بعضی کاتبان، برای حفظ وزن شعر در عبارت من درآوردی خود، «که» را از پیش خود به مصراع افزوده‌اند (نسخه‌های ملی ۱ و ملک ۲). تصحیح پیشنهادی من برای مصراع چهارم رباعی این است:

چوپان بد است، زود بازآرد داغ

«داغ بازآوردن چوپان بد» تعبیری کنایی است که ریشه در تاریخ اقتصادی این سرزمین دارد و درباره آن توضیح خواهم داد. شعر ابوالمظفر جمحی، در تاریخ بیهقی نیز نقل شده است. در اغلب نسخه‌های به جا مانده از این کتاب، که هیچ کدام قدمتی هم ندارند، به جای «داغ»، «دوغ» ثبت شده و محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی نیز همین ضبط را برگزیده‌اند (بیهقی، ۱۳۸۸: ۴۰۷) و در تعلیقات توضیح داده‌اند که:

در صورتی که ضبط اجماع نسخه‌ها یعنی دوغ را بپذیریم، ظاهراً مراد این است که چوپان بد، پشم و شیر و کره گوسفند را برای خود برمی‌دارد و دوغ را برای صاحب آن می‌آورد.
(همان: ۱۱۳۴)

علی‌اکبر دهخدا، ذیل مدخل «مثل چوپان بد دوغ پیش آوردن» به شعر ابوالمظفر مطابق ضبط نسخ تاریخ بیهقی اشاره کرده و

در پانویس توضیح داده است که:

هر دو کلمه داغ و دوغ در این مثل بی تناسب نیست. و داغ به ذوق نزدیک‌تر است. چه رسم بر این رفته است که هرگاه در مسافتی دور که نقل لاشه عادتاً صعب باشد، حیوانی سقط شود، خربنده یا ساریان یا شبان، داغ حیوان را بریده و به صاحب آن می‌برد تا ظاهر شود که حیوان مرده است و آن را نفروخته‌اند. و البته، مواشی چوپان بد، به علت عدم مواظبت کامل، بیشتر تلف می‌شود. (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۴۲۴/۳)

رباعی سنایی، مؤید کلمه «داغ» است و شاهد ارزنده‌ای برای این تمثیل کهن پارسی به شمار می‌آید. به نظر من، کاتبان تاریخ بیهقی نیز به علت ناآشنایی با این اصطلاح، در اصل مثل تصریف کرده و داغ را به دوغ بدل ساخته‌اند. علی صفری آق‌قلعه، در یادداشت سودمندی که در همین باب نوشته است، از کتاب المرشد فی الحساب که در ۶۹۱ق به زبان پارسی تألیف شده، نقلی در باب شیوه حسابرسی از گله گوسفندان پادشاهان آورده که کیفیت داغ بازآوردن از احشام سقط‌شده را به روشنی نشان می‌دهد و تردید را در مورد واژه «داغ» کاملاً برطرف می‌کند:

و هر سقط کی خواهد بود، اگر مسلوخ توان خورد به مطیخ فرستد و اگر بدل توان کرد بدل کند و داغ و دروشم نگاه دارد تا به وقت حساب عرض دهد و اعتماد بر قول و رفع او باشد. و مستوفی باید که داغ و دروشم ببیند، ساقط براند. (صفری آق‌قلعه، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۵)

او همچنین یادآور شده است که بیت ابوالمظفر، در ذیل نفثه المصدر هم هست (ابورجای قمی، ۱۳۸۸: ۶۲) و در آنجا نیز به درستی «داغ» آمده است، نه «دوغ». دهخدا درباره مفهوم و مصداق این مثل، توضیحی نداده است و مثل نگاران دیگر نیز آن را در شمار امثال نیاورده‌اند. آنگونه که از شعر ابوالمظفر جُمحی و سنایی مشخص می‌شود، این مثل را جایی به کار می‌برند که فردی قابل اعتماد نباشد و کارهای او به آسیب خرابی جبران‌ناپذیر بینجامد.



درباره مصراع سوم رباعی مورد اشاره، بد نیست این نکته را یادآور شوم که در دو نسخه (ملی ۲، اعظم ۲)، خطاب آخر مصراع به صورت «شمع و چراغ» آمده، در یک نسخه «شمع

- _____ کلیات سنایی. دستنویس شماره ۱۱۵۸ کتابخانه مسجد اعظم قم، ۱۰۰۹ ق (اعظم ۲).
- _____ دیوان سنایی. دستنویس شماره ۱۶۹۳۴ کتابخانه ملی ایران، ۱۰۱۳ ق (ملی ۱).
- _____ دیوان سنایی. دستنویس شماره ۱۳۵۳ کتابخانه ملی ایران، ۱۰۱۹ ق (ملی ۲).
- _____ دیوان سنایی. دستنویس شماره ۳۴۶ کتابخانه سپهسالار، سده ۱۰-۱۱ ق (سپه).
- _____ دیوان سنایی. دستنویس شماره ۵۲۴۱ کتابخانه ملک، سده ۱۱ ق (ملک ۱).
- _____ دیوان سنایی. دستنویس شماره ۴۹۴۲ کتابخانه ملک، سده ۱۱ ق (ملک ۲).
- _____ دیوان سنایی. دستنویس شماره ۴۶۷۲ آستان قدس رضوی، ۱۰۲۲ ق (قدس).
- صفری آق قلعه، علی (۱۳۸۹). «چهارپاره». گزارش میراث، سال چهارم، ش ۳۹ (خرداد-تیر): ص ۱۴-۱۶.

چراغ» (کابل) و در هفت نسخه، «چشم و چراغ» (ملی ۱، اعظم ۱، مشکات، قدس، ملک ۱، ملک ۲، سپه). هر دو وجه، در غزلیات سنایی سابقه دارد:

روی تو در هر دلی افروخته شمع و چراغ

(سنایی، ۱۳۸۶: ۱۸۰)

ای چشم و چراغ آن جهانی

(همان: ۵۰۰)

با توجه به ضبط اغلب دستنویس‌ها و سابقه کاربرد این خطاب در دیوان سنایی، «چشم و چراغ» را مرجح می‌دانیم.

منابع

- ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی (۱۹۶۸). تاریخ بیهق. به تصحیح سید کلیم الله حسینی. حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیه.
- ابورجای قمی، نجم‌الدین (۱۳۸۸). ذیل نفثه المصدور. رونویسی حسین مدرس طباطبایی. ج ۲. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۸). تاریخ بیهقی. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی. تهران: سخن.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳). امثال و حکم. تهران: امیرکبیر.
- سنایی غزنوی (۱۳۳۶). دیوان حکیم سنایی. به کوشش مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۴۱). دیوان حکیم سنایی غزنوی. به سعی و اهتمام مدرس رضوی. تهران: ابن سینا.
- _____ (۱۳۸۶). غزل‌های حکیم سنایی غزنوی. به تصحیح یدالله جلالی پندری. تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۳). دیوان حکیم سنایی. به کوشش محمدرضا برزگر خالقی. تهران: زوار.
- _____ (۱۳۵۶). کلیات اشعار حکیم سنایی غزنوی. چاپ عکسی، به اهتمام علی اصغر بشیر. کابل: انتشارات بیهقی.
- _____ دیوان سنایی. دستنویس شماره ۲۳۲ مشکات، کتابخانه دانشگاه تهران، ۱۰۰۳ ق (مشکات).
- _____ دیوان سنایی. دستنویس شماره ۲۰۱۰ کتابخانه مسجد اعظم قم، سده ۱۰-۱۱ ق (اعظم ۱).

گزارش میراث